

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: علی مشرف

۱۲ اپریل ۲۰۲۲

## جنگ اوکراین از نگاه چینی‌ها دیدگاه چین در قبال سیاست بین‌الملل

(۴)

### فهرست مطالب

هم مقدمه و هم پی‌نوشت ...

صلح را گرامی بداریم، با هم در اتحاد کار کنیم و یک آینده برد-برد را برای آسیا-اقیانوسیه دنبال کنیم  
جنگ، ریسک و روابط ..

سرمقاله گلوبال تایمز: امریکا نمی‌تواند انتظار داشته باشد که چین تحت سرکوبش همکاری کند  
نتایج احتمالی جنگ روسیه و اوکراین و انتخاب چین ..

"انزوای" باشکوه در جنگی درون اروپا

متهم ساختن چین در نزاع روسیه و اوکراین، مُهمل و مضحک است ...

روابط چین-روسیه مهم‌ترین دارایی ستراتیژیک است که با تحریک امریکا نمی‌تواند آسیب ببیند .

مردم چین کوچک‌ترین تحولات در رویارویی روسیه- امریکا را دنبال می‌کنند .

هماهنگی دو سوی اقیانوس اطلس در قبال چین؟ .

معضل دوگانه امنیت

### "انزوای" باشکوه در جنگی درون اروپا

نویسنده: جان گونگ

[توضیح: نویسنده این مطلب، استاد دانشگاه اقتصاد و تجارت بین‌الملل واقع در بیجینگ است. این مطلب ۱۴ مارچ

۲۰۲۲ نوشته شده است.]

جورج کنینگ، که ریاست سیاست خارجی بریتانیا در اوایل قرن نوزدهم را بر عهده داشت، زمانی در اظهاراتی

معروف گفته بود: "حوزه اروپا تا سواحل اقیانوس اطلس می‌رسد و قلمرو انگلستان از آنجا شروع می‌شود."

دکترین کینینگ، که ستراتیژی جدا شدن از منازعات اروپای قاره‌ای، اجتناب از اتحاد با هر کشوری، اما همچنان تعقیب فرصت‌های تجاری با همه کشورهای را مفروض می‌دارد، به‌طور گسترده توسط دولت‌های بعدی بریتانیا در بخش عمده‌ای از قرن نوزدهم، به ویژه در دولت لرد سالیسبوری از سال ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۲ میلادی دنبال شد. این سیاست دیپلماتیک بریتانیا در حال حاضر توسط مؤرخان با عنوان "انزوای باشکوه" شناخته می‌شود، اصطلاحی که اولین بار توسط یک سیاستمدار کانادایی، جورج اولاس فاستر، به کار برده شد که در سال ۱۸۹۶ نوشت: "در این روزهای به‌نوعی دردسرساز که امپراتوری بزرگ مادر به‌طرز باشکوهی در اروپا منزوی ایستاده است."

روزهای پُر دردسر در اروپا دوباره در حال بازگشت و پدیدار شدن هستند، آن‌چنان‌که جنگ در اوکراین در حال ویران کردن است و تأثیر آن را در سراسر جهان می‌توان احساس کرد. امروز، چین نیز با وضعیت خطیری مواجه است که جورج کینینگ در انگلستان قرن نوزدهم با آن مواجه بود. امریکائی‌ها در حال مجبور ساختن چین به این هستند که در این جنگ وحشتناک، طرف یکی را بگیرد - شما یا با ما هستید یا علیه ما. همانطور که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا امروز هشدار داد که "اگر چین به مسکو در دور زدن تحریم‌های اعمال‌شده به‌خاطر جنگ اوکراین کمک کند، قطعاً با عواقب آن مواجه خواهد شد".

سالیوان این نوع از لفاظی تهدیدآمیز و قهرآمیز را در آستانه دیدار برنامه‌ریزی‌شده روز دوشنبه [۱۴ مارچ] با یانگ جیه‌چی، دیپلمات ارشد چین مطرح کرد. اولین نکته در ردّ اخاذی سالیوان به این افسانه مربوط می‌شود که حفظ رابطه تجاری عادی با یکی از طرف‌های تخاصم، در واقع با یکی از دو طرف جنگ در این مورد، می‌تواند به عنوان دور زدن تحریم‌ها تعبیر شود؛ تحریم‌هایی که نه نتیجه یک قطعنامه ملل متحد است و نه توسط اکثر کشورهای، اقتصادها و مردم جهان اعمال شده است. گذشته از روسیه، هیچ یک از کشورهای بریکس در واکن هم‌سرایان اعمال تحریم نیستند، و همچنین سایر اقتصادهای بزرگ مانند اندونزی، آرژانتین و عربستان سعودی نیز در این واکن قرار ندارند. در واقع، حتی پول اتحادیه اروپا برای واردات گاز از طریق خطوط لوله‌ای که از اوکراین عبور می‌کند، هنوز به خزانه پوتین می‌رود.

اما نکته مهم‌تر در ردّ باج‌گیری سالیوان، مبتنی بر استدلال امنیت ملی است که برای چین اهمیت وجودی دارد. در حالی که حوزه‌های اروپا، انگلیس و آمریکا به هر یک از سواحل اقیانوس اطلس می‌رسد که حتی از دوردست‌ها هم برای ما قابل دسترسی نیست، اما حوزه چین در مرزی به‌طول ۴۲۰۹ کیلومتر با روسیه، متوقف می‌شود. پیروی از خط تحریمی واشنگتن اساساً ما را وارد رابطه خصمانه با مسکو می‌کند که در گذشته با آن خاطرات دردناک تاریخی خودمان را هم داشته‌ایم.

روسیه زرادخانه‌ای بالغ بر ۳۰۰۰ کلاهک هسته‌ای دارد که از مجموع کل مابقی کلاهک‌های هسته‌ای در جهان بیشتر است. روسیه، به یک معنا، در این جنگ شکست‌ناپذیر است؛ مهم نیست که چقدر در اوکراین کبود و زخمی شود و در میدان نبرد چقدر شکست بخورد؛ تنها شانس برای شکست کامل روسیه، یک انفجار داخلی خواهد بود. این کشور از نظر نظامی شکست‌ناپذیر است.

و اما به تمام کشورهایی که تاکنون تحریم‌ها را اعلام کرده‌اند، نگاه کنید. آنها در بیشتر موارد تحت نوعی چتر حمایت هسته‌ای واشنگتن قرار دارند. ما چنین شرایطی نداریم. ما حدود ۳۰۰ کلاهک هسته‌ای داریم. ما کدام منافع ملی روی زمین و چه منافعی در ازای آن از واشنگتن به‌دست می‌آوریم که ریسک غلتیدن به یک جنگ جهانی بالقوه را تقبل کنیم؟ برخی ممکن است این بحث را در چارچوب یک استدلال اخلاقی صورت‌بندی کنند که تجاوز روسیه در این چارچوب براستی مایه تأسف است و مستحق یک پاسخ درست است. اما این جنگ، با مجموعه پیچیده‌ای از نظریه‌ها در خصوص

علت آن، خواه نظریه گسترش ناتو به شرق باشد، خواه جاه طلبی پوتین برای احیای امپراتوری تاریخی روسیه باشد، خواه جهل و بی‌عرضگی رهبری اوکراین باشد، خواه تحریک امریکا برای سرکوب تمایل اتحادیه اروپا به استقلال باشد، هیچ یک از این چیزها به تنهایی یا در ترکیب با هم، این جنگ را غیراخلاقی‌تر از جنگ‌های بی‌شمار در تاریخ اروپا و تاریخ امریکا نمی‌کند. اگر این جنگ، از جانب یک کشور دورافتاده و نامربوط مانند چین، پاسخ درستی می‌طلبد، جنگ واشنگتن با عراق و جنگ با افغانستان، پاسخ درستی را، علیه امریکا، طلب می‌کند!

در نهایت این یک جنگ اروپائی است، جنگی "در درون خانواده قفقازی‌ها" است، همانطور که کی‌رون اسکینر، که زمانی مدیر برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری وزارت خارجه دولت ترمپ بود، درباره آن می‌گوید. خردورزی جورج کینینگ هنوز زنگ تفکر ستراتیژیک چین را در زمانه پرفراز و نشیبی مانند اکنون، به صدا در می‌آورد. در سال ۱۸۶۶، لرد دربی، وزیر امور خارجه بریتانیا، دکترین کینینگ را با عبارات دقیق‌تری به شرح زیر توضیح داد:

"وظیفه دولت این کشور است که با توجه به موقعیت جغرافیائی که دارد، رابطه خود را با حسن نیت با همه ملت‌های اطراف حفظ کند، اما خود را گرفتار هیچ اتحاد منفرد یا انحصاری با هیچ یک از آنها نکند؛ بالاتر از همه، بریتانیا باید تلاش کند تا به‌صورت غیرضروری و آزاردهنده‌ای در امور داخلی هیچ کشور خارجی مداخله نکند."

صفت "باشکوه" که مؤرخان به این سیاست داده‌اند، بی‌دلیل نیست. امپراتوری بریتانیا در آن سال‌های پُر دردر برای قاره اروپا، شکوفا شد و اقتصاد آن از طریق شبکه تجاری فراگیرش در سراسر جهان، به جایگاه اعلی‌مرتبتگی رسید. امروزه چین بزرگترین کشور تجاری جهان است. هیچ‌گونه دلیلی، هر چقدر هم که این دلیل عالی باشد، نباید باعث شود که مسیر توسعه کشور با فرو بردن مردمش در یک اتحاد ناموجه، غیرقابل اعتماد و کاملاً ناپایمن برای این کشور، ضایع شود.

اما دلیل این که کلمه "انزوا" در عنوان این مقاله با گیومه آمده است، این است که انزوا نباید به‌صورت تحت‌اللفظی تفسیر شود. در واقع، حتی بریتانیای قرن نوزدهم نیز تحقیقاً از نظر اقتصادی منزوی نبود، چرا که با دیگر قدرت‌های اروپائی تجارت می‌کرد و به شدت به امپراتوری بریتانیا متصل بود. ما که در حال حاضر بزرگترین کشور تجاری هستیم، مطمئناً انزواطلب نیستیم، بلکه اینترناسیونالیست هستیم. ما محلی‌گرا نیستیم؛ ما گلوبالیست هستیم.

اما جدای از بحث اقتصاد و حفظ روابط تجاری عادی با تمام کشورها، بیجینگ در واقع می‌تواند نقشی سیاسی، هرچند شاید به‌صورت کاملاً محدود، در زمینه ترویج صلح در اوکراین ایفاء کند. بیجینگ می‌تواند نقش فعال‌تری در میانجی‌گری برای نیل به یک راه‌حل صلح‌آمیز بین دو طرف، همراه با فرانسه و آلمان، ایفاء کند. همچنین چین می‌تواند و باید، همانطور که قبلاً انجام داده است، کمک‌های بشردوستانه بیشتری به مردم اوکراین ارائه دهد.

به‌طور خلاصه، واشنگتن مایل است جهان بر این باور باشد که عدم اعمال تحریم‌ها، به‌ویژه از سوی چین، به‌منزله جانب‌داری بیجینگ از روسیه است. این یک روایت اشتباه است که باید بی‌درنگ و به‌صورت کامل با تجربه بریتانیا [و سیاست "انزوای باشکوه"] رد شود. این به نفع منافع ملی این کشور [چین] است، و مهم‌تر از آن کاملاً از نظر اخلاقی قابل‌پذیرش است که چین از این آشفته‌گی و به‌هم‌ریختگی [منظور جنگ اوکراین است] دور بماند و در عین حال بی‌وقفه از صلح و ثبات، قهرمانانه دفاع کند.